انهدام یک پهپاد ارتش متجاوز امریکا

روابط عمومی ســپاه پاســداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه‌ای از به آتش کشیده شدن دو فروند نفتکــش متخلــف و رهگیری و انهــدام پنجاه و چهارمیــن پهپــاد ۹ - MQ ارتش تروریســتی امریکا خبر داد.

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه شماره ۱۹ خود آورده است:

«بسم‌الله قاصم الجبارین

ملت رشید و بپاخواسته ایران اسلامی؛

استقامت و ایســتادگی شما ملت شجاع و بصیر، دشمنان را خوار و ذلیل کرده و ملت‌های مظلوم جهان را به میدان‌ها فراخوانده است.

ایــن بزرگ‌تریــن پیــروزی اســت که شــما با اســتمرار حضور در بیش از ۲۳۰ شــب به دست آوردیــد و جوشــش ملت‌ها را در ۵ قــاره جهان رقم زدید.

فرزنــدان رزمنده شــما در نیروهــای دریایی و هوافضای سپاه با رصد مستمر وضعیت منطقه، بر عهدی که با رهبری معظم انقلاب و شما مردم وفادار بســته‌اند، هســتند و با اعمال حاکمیت و مدیریت بر تنگه هرمز گلوی گرگان جهان‌خوار را همچنان می‌فشارند.

در این راســتا، شب گذشــته نیروهای قهرمان پدافندهوایی سپاه در مراقبت از وضعیت فضای تنگه هرمــز، یک فروند پهپــاد ۹ - MQ ارتش متجاوز امریکا را شناسایی و بلافاصله مورد اصابت قرار دادند که منهدم و سرنگون گردید.

همچنین با انفجار مین‌های کاشته شده توسط دریادلان نیروی دریایی سپاه در معبر غیرقانونی جنوب تنگه هرمز، دو فروند نفتکش متخلف به آتش کشیده شد و متوقف شدند.

نیروی دریایی ســپاه بار دیگر اخطــار می‌کند، عبور از مســیر مین‌گذاری شــده، غیرقانونی و نتیجه‌ای جز به آتش کشیده شدن سرمایه‌های متخلفان نخواهد داشــت و در صورت اســتمرار این شــیطنت‌ها توســط رژیم مســتکبر امریکا شرکت‌های نفتی باید تاوان بزرگ‌تری بپردازند.

ادعای ثابتی درباره «قیمت داشتن» نمایندگان زیر ذره‌بین قانون می‌رود؟

اظهــارات اخیــر امیرحســین ثابتــی، نماینده تهــران، در یکــی از تجمعــات شــبانه مبنی بر اینکــه «خیلی‌ها» در مجلــس «قیمت دارند»، واکنش‌هــای تنــدی را در میــان نماینــدگان برانگیخــت؛ از غلامرضــا تاجگــردون کــه این ســخنان را «توهین وقیحانه» خواند تا علیرضا نوین، نماینده تبریز، که ارایه مستندات به هیات نظارت بر رفتار نمایندگان را مطالبه کرد، اما این اظهارات از نظر حقوقی چه وضعی دارد؛ آیا جرم است و رسیدگی به آن بر عهده کیست؟

به گزارش ایســنا، امیرحســین ثابتی اخیراً در ســخنانی در یکــی از تجمعات شــبانه که فیلم آن در کانــال تلگرامی وی نیز منتشــر شــد، در دفاع از حمید رســایی گفت: «اگر آقای رسایی اهل لابی‌بازی و این مفاســدی بود که خیلی‌ها دارنــد، امروز جای او معلوم بــود؛ در زندان نبود و در جاهــای خیلی بهتری نشســته بود.» وی با بیان اینکه «مشــکل رسایی این است که قیمت ندارد»، مدعی شد: «من این را در مجلس دیدم؛ خدا را گواه می‌گیرم و صادقانه به شــما می‌گویم خیلی‌ها که فکر می‌کنیم قیمتی ندارند، آخرش طرف بالاخــره... بالاخره هر کســی یک قیمتی دارد، متأسفانه.»

این سخنان در حالی بیان شد که حمید رسایی در هفته‌های اخیر به اتهام نشر اکاذیب از طریق ســامانه‌های رایانه‌ای (ماده ۷۴۶ قانون مجازات اســلامی) به ۱۰ ماه حبس محکــوم و حکم وی در دادگاه تجدیدنظر تأیید و قطعی شــده است؛ حکمی که به گفته ســخنگوی قوه قضاییه، ناظر به مطالب منتشرشده پیش از دوران نمایندگی اوست.

غلامرضا تاجگــردون، نماینده گچســاران، در صفحه شــخصی خود در اینســتاگرام نوشــت: «اخیرا نماینده‌ای گفت در مجلس هر نماینده‌ای نرخی دارد؛ نمی‌دانم چطور یک انسان می‌تواند اینطور وقیحانه به خودش و دیگران توهین کند مگر اینکه هنوز باور نداشــته باشــد خودش هم نماینده است. من نرخ ندارم، نمی‌دانم تو نرخت چند؟» وی همچنین نوشت: «مجلس برای آنان تعطیل اســت که کاری به جز نطــق تخریبی و نفاق‌انگیز نداشتند.»

علیرضا نوین، نماینده تبریز، آذرشهر و اسکو در مجلس نیز با بیان اینکه «مســاله، دفاع از این یا آن نماینده نیســت؛ مساله، دفاع از شأن مجلس شورای اسلامی و حرمت رأی مردم است»، گفت: «آقای ثابتی در دفاع از آقای رسایی گفته‌اند که در مجلس دیده‌اند بعضی از نمایندگان «قیمت دارند ». این تعبیر، یک جملــه معمولی یا صرفاً یک اختلاف‌نظر سیاســی نیست؛ این سخن در افکار عمومی معنای روشــنی دارد: اینکه برخی نمایندگان در برابر پول، امتیاز یا منفعتی خاص، مواضع خــود را تغییر می‌دهنــد. چنین ادعایی بسیار سنگین است و نمی‌توان آن را بدون ارایه سند و مصداق مطرح کرد.»

نوین با طرح این پرسش‌ها که «کدام نمایندگان؟ چه کســانی؟ در برابر چه پیشــنهادی؟ در چه تاریخی؟ و با چه مستنداتی؟» تأکید کرد: «اگر مدارکی وجود دارد باید هرچه سریعتر به هیات رســیدگی به تخلفات نماینــدگان مجلس ارایه شود. اگر واقعاً چنین مواردی را مشاهده کرده‌اند، وظیفه دارند مستندات خود را به مراجع قانونی ارایه کنند تا موضوع بررسی شود. اگر هم سند و مصداق مشخصی ندارند، باید روشن کنند بر چه اساسی چنین تعبیری را درباره نمایندگان ملت به کار برده‌اند.»

عضو کمیســیون عمران مجلس افــزود: «هیچ نماینده‌ای نباید به دلیل موضع سیاسی، رأی یا اختلاف‌نظرش با دیگری متهم شود. دفاع از یک همکار، مجوز متهم کردن دیگران نیست. مجلس ملک شــخصی هیچ نماینده‌ای نیســت؛ نهادی است که اعتبارش از رأی مردم می‌آید. هیچ کس حق ندارد بدون دلیل و ســند، اعتبار این نهاد را هزینه اختلافات سیاسی کند.»

سفر عاصم منیر به تهران برای پیدا کردن راه حلی برای توافق و عدم شروع دور جدیدی از جنگ

دیپلماسی در بن بست؟

با افزایش نگرانی‌ها از احتمال ازســرگیری درگیری‌ها میان ایــران و امریــکا، تلاش‌هــای دیپلماتیک برای پایان‌دادن به بحران همچنان در وضعیت رکود قرار دارد. سفر سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، به تهران و ورود عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان به ایران در روز سه‌شنبه، در شرایطی انجام شده که پیشنهاد هفت‌روزه تهران هنوز به نتیجه نرسیده و پاسخ واشنگتن از نگاه مقام‌های ایرانی ناکافی است. هم‌زمان، هشــدارهای نظامی ایران درباره پاســخ بــه هرگونه حملــه تازه و نزدیک‌شدن انتخابات اسراییل و انتخابات میان‌دوره‌ای امریکا، چشم‌انداز آینده را پیچیده‌تر کرده است.

آتش‌بــس شــکننده و دیپلماســی بــدون چشم‌انداز روشن

روابط ایران و امریکا در وضعیتی قرار گرفته که توقف نسبی درگیری‌ها نتوانسته به توافقی پایدار منجر شود و مذاکرات نیز هنوز مسیر مشخصی برای خروج از بحران ترسیم نکرده است. پس از شکست تلاش‌های قبلی برای دستیابی به تفاهم، دو طرف همچنان بر شــروط متفاوتی برای پایان جنگ تأکید دارند و اختلاف‌ها بر ســر محاصره دریایی، تحریم‌ها، امنیت تنگه هرمز و پرونده هسته‌ای پابرجاست. ایران اعلام کرده است که طرح پیشنهادی خود را از طریق میانجی‌ها به واشنگتن منتقل کرده و پاسخ امریکا را نیز دریافت کرده است؛ اما به گفته اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، این پاســخ ناکافی و ناقص بوده است. تهران همچنان بر مطالبات خود تأکید دارد و رفع محاصره دریایی و توقف جنگ در همه جبهه‌ها را از جمله شروط اصلی خود می‌داند. در مقابل، واشنگتن خواهان آن است که موضوع هســته‌ای ایران در مرکز مذاکرات قرار گیرد و محدودیت‌های مورد نظر امریکا در این زمینه بررسی شود. اختلاف بر سر همین نقطه آغاز، روند دیپلماسی را متوقف کرده است: ایران می‌خواهد پیش از ورود به مذاکرات جامع، تغییراتی در وضعیت فشارهای اقتصادی و امنیتی مشاهده کند؛ امریکا نیز در پی آن اســت که گفت‌وگوها از ابتدا به موضوعاتی بپردازد که برای خود اولویت می‌داند. در نتیجه، اگرچه تبادل پیام‌ها از طریق میانجی‌ها ادامه داشته، نشانه روشنی از نزدیک‌شدن دو طرف به توافق دیده نمی‌شود. گزارش‌هــای اخیر نیز حاکی از آن اســت که تلاش‌های میانجی‌گرانه پاکستان و قطر هنوز نتوانسته‌اند اختلاف‌های اصلی را برطرف کننــد. در چنین فضایی، ادامه وضعیت فعلی نه به معنای حرکت قطعی به سمت صلح است و نه الزاما به معنای تصمیم قطعی برای ازسرگیری جنگ؛ بلکه نشان‌دهنده بن‌بستی است که هر دو طرف در آن، همچنان فشار و مقاومت را بخشی از محاسبات خود می‌دانند.

طرح هفت‌روزه ایران؛ پیشنهاد روی میز، توافق دور از دسترس

طرح هفت‌روزه ایران یکــی از محورهای اصلی تحولات دیپلماتیک روزهای اخیر اســت. بر اســاس توضیحات مقام‌های ایرانی، این پیشــنهاد شامل ترتیبی مرحله‌ای برای کاهش تنش است: در صورت پذیرش شروط تهران، مسیر بازگشایی تنگه هرمز طی شش روز فراهم می‌شود و مذاکرات در روز هفتم از سر گرفته خواهد شد. این پیشنهاد بر مجموعه‌ای از مطالبات متمرکز است که از جمله آنها رفع محاصره دریایی بنادر ایران، پایان محدودیت‌های مرتبط با صادرات نفت و توقف درگیری‌هاست. تهران تأکید می‌کند که این خواســته‌ها را پیش‌تر نیز در تفاهم‌ها و مذاکرات قبلی مطرح کرده و آنها را شروطی مشروع برای پایان‌دادن به وضعیت جنگی می‌داند. جزییــات کامل و نهایی این طرح به‌طور عمومی منتشر نشده است؛ بنابراین، فهرست شروطی که در گزارش‌های رسانه‌ای آمده، لزوما به معنای انتشار متن رسمی و کامل پیشنهاد نیست. واشنگتن به این طرح پاسخ داده، اما دو طرف بر سر محتوای پاسخ و ترتیب اقدامات توافق ندارند. به گفته بقایی، پیام امریکا ناکافی بوده و تهران همچنان بر همان مطالبات تأکید دارد. از ســوی دیگر، گزارش‌ها نشان می‌دهند که امریکا می‌خواهد مساله هسته‌ای را از ابتدا در مذاکرات بگنجاند؛ موضوعی که ایران نمی‌خواهد پیش از رسیدگی به شروط اولیه خود، به محور اصلی گفت‌وگوها تبدیل شود. بنابراین، طرح هفت‌روزه را نمی‌توان نشــانه‌ای قطعی از نزدیک‌بودن توافق دانست. اهمیت آن بیشتر در این است که ایران تلاش کرده برای کاهش تنش، مسیر و زمان‌بندی مشخصی پیشنهاد کند. اما برای تبدیل این پیشنهاد به توافق، دو طرف باید درباره نخســتین اقدامات اجرایی و تضمین‌های لازم به تفاهم برسند؛ مساله‌ای که تاکنون حل نشده است.

در چنین شــرایطی، مذاکرات ممکن است همچنان از طریق پیام‌های غیرمســتقیم ادامه پیدا کند، بی‌آنکه به گفت‌وگوهای رســمی و موثر منجر شــود. اگر هر طرف اقدام اولیه را به پذیرش کامل شــروط خود از سوی طرف مقابل مشروط کند، بن‌بست فعلی ادامه خواهد یافت. از سوی دیگر، توافق محدود بر سر کاهش تنش و ازسرگیری مذاکرات می‌تواند مسیر را برای رسیدگی به اختلاف‌های پیچیده‌تر باز کند؛ هرچند هنوز نشانه روشنی وجود ندارد که دو طرف آماده چنین انعطافی باشند.

سفر لاوروف به تهران؛ رایزنی در سایه افزایش خطر جنگ

سفر سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، به تهران در روز دوشنبه ۱۹ اکتبر، یکی از مهم‌ترین تحولات دیپلماتیک روزهای اخیر بود. این نخستین سفر لاوروف به ایران از زمان آغاز جنگ در فوریه عنوان شــده و در جریان آن، موضوع جنگ با امریکا، امنیت منطقه و راه‌های کاهش تنش مورد توجه قرار گرفت. لاوروف در دیدار با عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، بر مواضع مسکو در حمایت از تهران تأکید کرد و دو طرف درباره تحولات منطقه‌ای گفت‌وگو کردند. این ســفر از دو جهت اهمیت دارد. نخست آنکه تهران در شرایطی با مسکو رایزنی می‌کند که مسیر مذاکرات با واشنگتن متوقف شــده و نگرانی‌ها درباره احتمال حمله دوباره افزایش یافته اســت. دوم آنکه روســیه، با توجه به روابط سیاســی و راهبردی خود با ایــران و ارتباطاتش با دیگر بازیگران منطقه‌ای، می‌تواند در انتقال پیام‌ها و تلاش برای کاهش تنش نقش داشته باشد. با این حال، نباید سفر لاوروف را به‌خودی‌خود نشــانه‌ای از دستیابی به توافق یا تضمین حمایت نظامی مستقیم روسیه در صورت آغاز جنگ دانست. روابط تهران و مسکو بر پایه منافع متقابل تعریف شده و هر دو کشور محاسبات مستقل خود را دارند. مقام‌های ایرانی نیز در اظهارات عمومی تأکید کرده‌اند که همکاری با روســیه و چین بر اساس منافع متقابل است. بنابراین، اهمیت این سفر را باید در چارچوب رایزنی‌های سیاســی و تلاش برای مدیریت بحران ارزیابی کرد، نه به عنوان تضمینی بــرای تغییر فوری معادلات جنگ. یکی از محورهای مهم اختلاف در منطقه، امنیت تنگه هرمز و پیامدهای ادامه محدودیت‌های کشتیرانی است. عراقچی در نشست مشــترک با لاوروف، مسوولیت ناامنی در این آبراه را متوجه اقدامات امریکا دانست و بر ضرورت یافتن راه‌حلی دیپلماتیک و ایجاد سازوکار امنیتی با مشارکت کشــورهای منطقه تأکید کرد. این موضع نشان می‌دهد که تهران تلاش دارد مســاله امنیت تنگه هرمز را از یک اختلاف دوجانبه با واشنگتن فراتر ببرد و آن را به موضوعی مرتبط با امنیت منطقه‌ای تبدیل کند. در مقابل، کشورهای منطقه و بازیگران بین‌المللی نیز درباره پیامدهای اختلال در تردد دریایی و زنجیره تأمین انرژی نگرانی دارند. از این منظر، هرگونه تشدید تنش در تنگه هرمز می‌تواند دامنه بحران را از عرصه نظامی فراتر ببرد و هزینه‌های اقتصادی آن را برای کشورهای بیشتری افزایش دهد. همین مساله می‌تواند انگیزه‌ای برای میانجیگری ایجاد کند، اما تا زمانی که اختلاف‌های اصلی تهران و واشنگتن حل نشده باشد، تلاش‌های دیپلماتیک با محدودیت روبرو خواهد بود.

عاصم منیر در تهران؛ نقش پاکستان در میانجیگری

ورود عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، به تهران در روز سه‌شنبه ۲۰ اکتبر، تحول مهم دیگر در تحرکات دیپلماتیک منطقه است. پاکستان طی ماه‌های گذشته در تلاش برای میانجیگری میان ایران و امریکا نقش داشته و تماس‌های خود را با دو طرف حفظ کرده است. سفر منیر نیز در شرایطی انجام می‌شــود که مذاکرات متوقف شده، پاسخ امریکا به طرح ایران مورد قبول تهران قرار نگرفته و خطر ازسرگیری درگیری‌ها افزایش یافته است. اهمیت این سفر در آن است که اسلام‌آباد همچنان یکی از کانال‌های ارتباطی موجود برای انتقال پیام‌ها و کاهش فاصله میان دو طرف محسوب می‌شود. پاکستان هم با ایران روابط همسایگی و امنیتی دارد و هم در ماه‌های اخیر در تلاش‌های میانجی‌گرانه مرتبط با جنگ مشارکت کرده است. از همین رو، حضور فرمانده ارتش این کشور در تهران می‌تواند فرصتی برای بررسی وضعیت مذاکرات، شــروط دو طرف و امکان جلوگیری از بازگشت درگیری‌ها باشد. با این حال، تا پیش از اعلام نتایج رسمی دیدارها، نمی‌توان درباره محتوای دقیق پیام‌های منتقل‌شده یا میزان پیشرفت احتمالی مذاکرات قضاوت قطعی کرد. صرف انجام سفر، به معنای ارایه پیشنهاد تازه یا حصول توافق نیست. نتیجه این رایزنی‌ها زمانی مشخص‌تر خواهد شد که موضع طرفین درباره شروط مذاکره و امکان اجرای اقدامات اولیه روشن شود. نقش پاکستان از این جهت اهمیت دارد که بن‌بست فعلی صرفا ناشی از قطع کامل ارتباطات نیست؛ بلکه دو طــرف پیام‌های یکدیگر را دریافت می‌کنند، اما بر سر محتوای توافق و ترتیب اجرای تعهدات اختلاف دارند. میانجیگری زمانی می‌تواند موثر باشد که بتواند این اختلاف را کاهــش دهد و ترتیبی قابل اجرا بــرای اقدامات متقابل پیشــنهاد کند. اگر اختلاف بر سر نقطه شــروع مذاکرات پابرجا بماند، حتی تداوم رفت‌وآمدهای دیپلماتیک نیز الزاماً به پیشرفت منجر نخواهد شــد. در مجموع، سفر لاوروف و ورود عاصم منیر را می‌توان نشــانه‌ای از ادامه تلاش‌های سیاسی برای مدیریت بحران دانست. این تحرکات نشان می‌دهد که مسیرهای دیپلماتیک هنوز به‌طور کامل کنار گذاشته نشده‌اند؛ اما در شرایطی که مذاکرات اصلی متوقف مانده و مواضع دو طرف فاصله زیادی دارد، هنوز نمی‌توان از شکل‌گیری یک روند موثر برای پایان جنگ سخن گفت.

هشدار نظامی ایران؛ پاسخ به هر حمله تازه

هم‌زمان با تحرکات دیپلماتیک، مقام‌های نظامی ایران نیز درباره احتمال ازسرگیری جنگ هشدار داده‌اند. سرلشکر علی عبداللهی، رییس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا، در پیامی اعلام کرد که ایران منتظر نتایج انتخابات کنگره امریکا نیست و هرگونه اقدام نظامی تازه علیه کشور، چه مستقیماً از سوی واشنگتن و چه با تحریک اســراییل، با پاسخ فوری و شدید نیروهای مسلح ایران مواجه خواهد شــد. عبداللهی همچنین به کشورهای منطقه میزبان نیروهای امریکایی هشدار داد که در صورت آغاز جنگ جدید، پیامدهای آن محدود به ایران و امریکا نخواهد ماند. او حضور نظامی امریکا در منطقه را عامل ناامنی دانســت و گفت در صورت شروع درگیری تازه، آتش جنگ می‌تواند دامنه گســترده‌تری پیدا کند. این اظهارات بازتاب‌دهنده موضع رسمی نظامی ایران در برابر احتمال حمله مجدد است. در سطح دیپلماتیک نیز اسماعیل بقایی تأکید کرده است که ایران در عین پیگیری دیپلماسی برای تأمین منافع کشور، در دفاع از خود مصمم اســت. او با اشاره به تجربه درگیری‌های گذشته، آمادگی ایران برای مقابله با تهدیدها را بخشی از محاسبات فعلی کشور دانسته است. از سوی دیگر، گزارش‌های رسانه‌ای حاکی از آن است که نگرانی از حملات تازه امریکا و اسراییل همچنان وجود دارد. هم‌زمــان، تنش‌ها در تنگه هرمز و اختلال در رفت‌وآمد کشــتی‌ها بر نگرانی‌ها افزوده است. این وضعیت باعث شده است که خطر بازگشت درگیری‌ها در تحلیل‌های دیپلماتیک و امنیتی برجسته باقی بماند. با این حال، هشــدارهای نظامی و افزایش آمادگی دفاعی را نباید به معنای قطعی‌بودن تصمیــم برای آغاز جنگ دانست. این مواضع نشان‌دهنده آمادگی اعلام‌شده ایران برای پاسخ به حمله احتمالی است؛ در حالی که تصمیم نهایی درباره اقدام نظامی از سوی هر طرف به مجموعه‌ای از محاسبات امنیتی و سیاســی وابسته خواهد بود. آنچه خطر را افزایش می‌دهد، ترکیب نبود توافق دیپلماتیک، بی‌اعتمادی متقابل، تهدیدهای علنی و احتمال محاسبه اشتباه است. در چنین فضایی، حتی یک حادثه محدود نیز می‌تواند به سرعت به بحرانی گسترده‌تر تبدیل شود؛ به‌ویژه اگر دو طرف تصور کنند که طرف مقابل در حال تغییر قواعد درگیری یا آماده‌سازی برای حمله است. از این رو، حفظ کانال‌های ارتباطی و جلوگیری از سوءبرداشت‌های نظامی، حتی در شرایط توقف مذاکرات رسمی، اهمیت زیادی دارد.

انتخابات اسراییل و امریکا؛ آیا پس از رأی‌گیری تحولات تازه‌ای رخ می‌دهد؟

دو رویداد سیاسی نزدیک می‌توانند بر محاسبات بازیگران در هفته‌های آینده اثر بگذارند: انتخابات پارلمانی اسراییل در ۲۷ اکتبــر و انتخابات میــان‌دوره‌ای کنگره امریکا در ۳ نوامبر. هر دو انتخابات در شــرایطی برگزار می‌شــوند که جنگ با ایران و پیامدهای امنیتــی و اقتصادی آن به موضوعی مهم در فضای سیاسی این کشورها تبدیل شده است. در اسراییل، انتخابات پیش رو برای دولت بنیامین نتانیاهو اهمیت سیاسی ویژه‌ای دارد. جنگ با ایران، ارزیابی عملکرد امنیتی دولت و هزینه‌های منطقه‌ای درگیری، از جمله موضوعاتی هستند که در فضای سیاسی این کشور مطرح شده‌اند. نتانیاهو در ۱۴ اکتبر اعلام کرد که به دنبال حمله پیش‌دستانه به ایران پیش از انتخابات نیست؛ با این حال، این موضع به معنای کنار گذاشــتن احتمال اقدام نظامی پس از انتخابات نیست و درباره تصمیم‌های احتمالی آینده نیز تضمینی ارایه نمی‌کند. در امریکا نیز انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره می‌تواند بر محاسبــات دولت ترامپ تأثیر بگذارد. ادامه جنگ، افزایش قیمت انرژی و هزینه‌های اقتصادی بحران ممکن است به موضوعاتی در بحث‌های داخلی امریکا تبدیل شوند. در عین حال، ترامپ با این مساله روبروســت که چگونه می‌تواند نتیجه جنگ را به عنوان دستاوردی سیاســی معرفی کند، در حالی که مذاکرات به توافق نرسیده و خطر بازگشت درگیری‌ها پابرجاست. نزدیکی انتخابات می‌تواند انگیزه‌ای بــرای مهار بحران ایجاد کند، اما نتیجه معکوس نیز ممکن اســت. دولت‌ها گاهی برای جلوگیری از برداشت عقب‌نشینی در آستانه انتخابات، مواضع سخت‌گیرانه‌تری اتخاذ می‌کنند. بنابراین، نمی‌توان با قطعیت گفت که پس از رأی‌گیری در اسراییل یا امریکا، حمله‌ای تازه آغاز خواهد شــد یا مســیر توافق هموارتر می‌شود. با این حال، انتخابات می‌توانند یک نقطه عطف در محاسبات سیاسی باشند. پس از مشخص شدن نتایج، دولت‌ها ممکن است فضای بیشتری برای بازنگری در مواضع خود داشته باشند یا برعکس، بر اساس برداشت تازه‌ای از هزینه‌ها و منافع سیاسی، مسیر سخت‌گیرانه‌تری را دنبال کنند. از این رو، هفته‌های پس از انتخابات نیز برای ارزیابی جهت‌گیری آینده بحران اهمیت خواهند داشت.

آینده رابطه تهران و واشنگتن؛ میان بن‌بست و احتمال تشدید درگیری

در شرایط کنونی، چشم‌انداز روشنی برای ازسرگیری مذاکرات موثر دیده نمی‌شــود. ایران بر اجرای شــروط خود، از جمله رفع محاصــره و توقف درگیری‌ها، تأکید دارد و پاسخ امریــکا را ناکافی می‌داند. واشــنگتن نیز همچنــان خواهان رســیدگی به پرونده هســته‌ای در چارچوب مذاکرات است. ســفرهای دیپلماتیک اخیر به تهران نشــان می‌دهد که تلاش برای مدیریت بحران ادامه دارد، اما هنوز نشــانه‌ای از توافق بر سر نقطه شروع مذاکرات وجود ندارد. در سوی دیگر، هشدارهای نظامی ایران نشان می‌دهد که تهران احتمال حمله تازه را جدی می‌گیرد و اعلام کرده است که در صورت وقوع آن پاسخ خواهد داد. این موضع، همراه با تداوم تنش در تنگه هرمز و اختلاف‌های حل‌نشده، خطر محاسبه اشتباه را افزایش می‌دهد. با این حال، هیچ‌یک از این عوامل به‌تنهایی به معنای قطعی‌بودن بازگشت جنگ نیست؛ همانطور که ادامه تبادل پیام‌ها نیز تضمینی برای موفقیت دیپلماسی محسوب نمی‌شــود. نزدیکی انتخابات اسراییل و امریکا بر اهمیت هفته‌های آینده می‌افزاید. ممکن اســت پس از انتخابات، برخی محدودیت‌های سیاسی تغییر کند و زمینه برای تصمیم‌های تازه فراهم شــود؛ اما جهت این تصمیم‌ها هنوز روشن نیست. از این رو، پیش‌بینی قطعی درباره وقوع جنگ یا توافق، در شــرایط فعلی زودهنگام خواهــد بود. آنچه اکنــون می‌توان گفت این اســت که رابطه ایــران و امریکا در مرحله‌ای شــکننده قرار دارد: مذاکرات متوقف شده، مسیر توافق روشن نیست و خطر ازسرگیری درگیری‌ها افزایش یافته است. در عین حال، حضور روسیه و پاکستان در تحرکات دیپلماتیک نشان می‌دهد که تلاش بــرای یافتن راهی جهت مهار بحران همچنان ادامه دارد. سرنوشت این مرحله بیش از هر چیز به این بستگی دارد که آیا تهران و واشنگتن می‌توانند از بن‌بست بر سر شروط اولیه عبور کنند و درباره اقداماتی مشخص برای کاهش تنش به تفاهم برسند یا خیر. اگر چنین تفاهمی شکل نگیرد، خطر ادامه وضعیت بی‌ثبات و بازگشــت درگیری‌ها همچنان باقی خواهد ماند. اگر هم کانال‌های میانجیگری بتوانند زمینه توافقی محدود و قابل اجــرا را فراهم کنند، ممکن اســت فرصتی برای ازسرگیری مذاکرات ایجاد شود؛ هرچند رسیدن به توافق نهایی همچنان مسیری دشوار خواهد بود.

عارف:

ایران همواره صلح را بر رویارویی ترجیح می‌دهد

معاون اول رییس جمهوری با اشــاره به جنگ ۴۰ روزه، اظهار کرد: ایران مطابق با ماده ۵۱ منشور ملل متحد از حق ذاتی خود برای دفاع مشروع استفاده کرد و در عین حال بار دیگر نشان داد خواهان جنگ و بی‌ثباتی نیست و همواره صلح را بر رویارویی ترجیح می‌دهد. محمدرضا عارف در نشســت گســترده اجلاس نخســت‌وزیران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای اظهار کرد: منطقه ما و جهان در دو ســال اخیر شــاهد چالش‌های بزرگی، از جمله نقض‌های بی‌سابقه، آشکار و گستاخانه بنیادی‌تریــن ارزش‌های انســانی و نیــز اصول حقوق بین‌الملل و منشــور ملل متحد توســط ایالات متحده امریکا و رژیم صهیونیستی بوده است که صلح و امنیت و دســتاوردهای جامعه جهانی در دهه‌هــای اخیر را در معــرض تهدید جــدی و نابودی قرار داده اســت. عارف همچنین گفت: ایــران ضمن تأکید بر تقویت همکاری بین بخش‌های خصوصی کشورهای عضو، از فعالیت‌های شورای تجاری و کنسرسیوم بین‌بانکی سازمان همکاری شانگهای حمایت می‌کند و معتقد است این فعالیت‌ها فرصتی مهم برای تقویت بُعد عملیاتی سازمان است و بر ضرورت تقویت کارکردهای عملیاتی این دو نهاد تأکید دارد. متن کامل ســخنان محمدرضا عارف در نشســت گسترده اجلاس نخست‌وزیران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای به شرح زیر است:

«جناب آقای قاهر رسول‌زاده نخست‌وزیر محترم جمهوری تاجیکستان

روسای هیات‌ها و نخست‌وزیران محترم

خانم‌ها و آقایان

در آغاز مایلم خرسندی خود را از حضور در نشست شورای نخست وزیران سازمان همکاری شانگهای ابراز نمایم. از جناب عالی و دولت جمهوری تاجیکستان به جهت برگزاری شایسته این نشست مهم در شهر زیبای دوشنبه تقدیر و تشکر می‌کنم.

این نشســت نه تنها فرصتــی برای مرور دســتاوردهای اقتصادی و سازمانی ماســت بلکه مجالی برای گفت‌وگو درباره بهبود و ارتقای فعالیت‌های ســازمان در شــرایط پرتحول کنونی جهان نیز به شمار می‌رود.

نظام بین‌الملل در دوره‌ای پرتلاطم با تهدیدات بی‌سابقه ناشــی از یکجانبه گرایــی و برتری طلبــی معدودی از کشورها مواجه است. منطقه ما و جهان در دو سال اخیر شــاهد چالش‌های بزرگی از جمله نقض‌های بی‌سابقه آشــکار و گســتاخانه بنیادی‌ترین ارزش‌های انسانی و نیز اصول حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد توسط ایالات متحده امریکا و رژیم صهیونیســتی بوده اســت که صلــح و امنیت و دســت‌آوردهای جامعه جهانی در دهه‌های اخیــر را در معرض تهدید جدی و نابودی قرار داده است. همانطور که آگاهی دارید جمهوری اسلامی ایران در فوریه ســال جاری مجددا هدف تجاوز نظامی آشــکار ایالات متحده امریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفت؛ تجــاوزی که نقض صریح منشــور ملل متحد، اصل منع توســل بــه زور و حاکمیت ملی یک کشــور مستقل بود. در حالی که جمهوری اسلامی ایران مسیر گفت‌وگو و دیپلماســی را برگزیده بود و مذاکرات برای حل و فصل اختلافات در جریان بود، پاســخ نه از مسیر دیپلماســی بلکه با حمله نظامی غیرقانونی و ناعادلانه داده شــد. در روز اول تجاوز ظالمانه و وحشیانه نه تنها رهبر معظم انقلاب اســلامی به همراه اعضای خانواده خود به شــهادت رسیدند بلکه متجاوزین به مدرسه‌ای در شهر میناب حمله کردند و ۱۶۸ نفر از دانش‌آموزان بی‌گناه و کارکنان مدرسه و خانواده دانش‌آموزان را اقتل عام کردند. در همان روز ورزشگاهی در شهر لامرد استان فارس نیز هدف حمله بمب‌های ممنوعه‌ای قرار گرفت که بر سر دختران و پسران نوجوانی ریخته شد که مشغول ورزش بودند. آنچه که در چهل روز تجاوز نظامی ظالمانه علیه ایران رخ داد صرفاً حمله به جمهوری اسلامی ایران نبود؛ بلکه حمله‌ای مستقیم به بنیان‌های نظم حقوقی بین‌المللی و اصل برابری حاکمیت دولت‌ها بود. حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی، مراکز آموزشی دانشگاهی و درمانی، تأسیســات اقتصادی و همچنین تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بدعت بسیار خطرناکی را پایه‌گذاری می‌کند که اگر بدون محکومیت جامعه بین‌المللی باقی بماند، امنیت هیچ کشوری از پیامدهای آن مصون نخواهد بود.

جمهوری اسلامی ایران مطابق با ماده ۵۱ منشور ملل متحد از حق ذاتی خود برای دفاع مشروع استفاده کرد و در عین حال بار دیگر نشان داد که خواهان جنگ و بی‌ثباتی نیست و همواره صلح را بر رویارویی ترجیح می‌دهد.

عالیجنابان

در اینجا لازم می‌دانم از کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای بواسطه مواضع سازنده و دلگرم کننده‌شان در قبال این تجاوزات و حملات علیه جمهوری اسلامی ایران سپاسگزاری نمایم. در نتیجه آن تجاوزات نظامی ظالمانه ما امروز با واقعیت جدیدی مواجه هستیم. اخلال در امنیت اقتصادی و اختلال در تجــارت، انرژی، حمل‌ونقل، نظام پرداخت و زنجیره‌های تأمین در یک کشور می‌تواند آثار خود را در سراسر منطقه و حتی اقتصاد جهانی نشان دهد.

خانم‌ها و آقایان

سازمان همکاری شــانگهای امروز به یک واقعیت مهم و غیر قابل انکار در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده اســت. در حال حاضر این پرسش پیش روی ماست که چگونه می‌توان فرصت‌های عظیم سازمان همکاری شانگهای را از ظرفیت همکاری به نتیجه همکاری تبدیل کرد. این سازمان با تکیه بر ظرفیت‌های عظیم کشورهای عضو و با حضور کشورهای شــریک و ناظران می‌تواند به یکی از موثرترین کانون‌های همکاری اقتصادی امنیتی و توسعه پایدار در جهان تبدیل شود. اما این مهم تنها در سایه همکاری‌های عملی ملموس و فراگیر محقق خواهد شد. در برابر بحران‌های موجود در منطقه و جهان، پاسخ ما باید همکاری بیشتر، اتصال بیشتر، تنوع بیشتر و ارتقای تاب‌آوری باشد. کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای از فرصت‌های کم‌نظیــری در حوزه‌های اقتصاد، تجارت، انرژی، حمل‌ونقل، فناوری، علم فرهنگ و همکاری‌های بشر دوســتانه برخوردارند. اکنون زمان آن است که این ظرفیت‌ها را به پروژه‌های مشترک سرمایه‌گذاری مشترک، تجارت بیشتر و رفاه ملموس‌تر برای ملت‌های عضو تبدیل کنیم. جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارد به منظور تحقق اهداف توسعه‌ای سازمان همکاری شانگهای نقش فعال ایفا کند و در پیشبرد اهداف و ابتکارات در حوزه‌های مختلف اقتصادی مالی و زیرساختی مشارکت و مساعدت نماید.

حضار گرامی

جمهوری اسلامی ایران از افزایش استفاده از پول‌های ملی در تجارت میان اعضا، اتصال زیرساخت‌های بانکی، توسعه پیام‌رسان‌های مالی ملی و ایجاد سازوکارهای نوین تسویه حمایت می‌کند. ایجاد بانک توســعه سازمان همکاری شانگهای می‌تواند نقطه عطفی در این مسیر باشد. با توجه به پیشرفت مذاکرات مربوط به تأسیس این بانک پیشنهاد می‌کنیم از مرحله گفت‌وگو به مرحله طراحی عملیاتی نزدیک شویم. همچنین لازم است ابزارهای بیمه صادراتی و پوشش ریسک ســرمایه‌گذاری توســعه یابد تا بخش خصوصی با اطمینان بیشــتری وارد پروژه‌های مشترک سازمان شــود. جمهوری اســلامی ایران ضمن تاکید بر تقویت همکاری بین بخش‌های خصوصی کشــورهای عضو از فعالیت‌های شــورای تجاری و کنسرســیوم بین بانکی سازمان همکاری شانگهای حمایت می‌کند و معتقد است این فعالیت‌ها فرصتی مهم برای تقویت بعد عملیاتی سازمان است و بر ضرورت تقویت کارکردهای عملیاتی این دو نهاد تأکید دارد. جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارد در چارچوب این دو نهاد، تجربیات و ظرفیت‌های خود را در اختیار همکاری‌های مشترک قرار دهد. کنسرسیوم بین بانکی سازمان نیز می‌تواند با تقویت همکاری میان بانک‌های کشورهای عضو و شرکای گفت‌وگو توسعه سازوکارهای پرداخت مستقل و استفاده بیشتر از پول‌های ملی نقش موثری در کاهش ریســک‌های مالی و تقویت تاب‌آوری اقتصادی ایفا کند. ما از نتایج نشست شورای کنسرسیوم بین بانکی ســازمان همــکاری شــانگهای ژوئیه ۲۰۲۶ چولپون (آتا) استقبال می‌کنیم که با امضای راهبرد توسعه کنسرســیوم برای ســال‌های ۲۰۲۷ تا ۲۰۳۱ و تصویب نقشه‌راه در حوزه تأمین مالی پایدار و اجتماعی همراه بود. جمهوری اسلامی ایران بانک کشاورزی را جهت عضویت در این کنسرسیوم پیشنهاد نموده است. روند عضویت در حال بررسی است و امیدواریم در کوتاه‌ترین زمان ممکن شاهد عضویت بانک کشاورزی در این اتحادیه باشیم.

عالیجنابان

سازمان همکاری شانگهای در مقطع مهمی از تاریخ خود قرار دارد. این سازمان امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند نگاهی نو، ساختاری چابک و همکاری‌های فراگیر است. ما باید از ظرفیت بی‌نظیر این سازمان در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، فناورانه و انسانی برای تحقق توسعه پایدار و امنیت مشترک منطقه‌ای بهره ببریم.

جمهوری اســلامی ایران آماده اســت تــا در چارچوب برنامه‌های مصوب در کنار اعضا و شــرکای سازمان برای تحقق اهداف سازمان در زمینه رشد اقتصادی، تبادلات فرهنگی و نوآوری فناورانه همکاری فعال داشته باشد.

امیدوارم نتایج این نشست گامی دیگر در مسیر تقویت اعتماد متقابل توســعه پایدار و همگرایی میان ملت‌های بزرگ عضو سازمان همکاری شانگهای و شرکا و کشورهای پیرامونی باشد. اطمینان داریم که با تکیه بر ظرفیت‌های عظیم کشورهای عضو و شرکای گفت‌وگو و با احترام متقابل چندجانبه گرایی و همکاری برابر می‌توان سازمان همکاری شــانگهای را به یکی از موثرتریــن کانون‌های همکاری اقتصادی و توسعه پایدار در جهان تبدیل کرد.

در پایان بار دیگر از میزبانی شایسته و تلاش‌های جمهوری تاجیکستان در دوره ریاست خود صمیمانه سپاسگزارم و برای دولت و ملت دوســت و برادر جمهوری تاجیکستان ســربلندی، رفاه و توسعه پایدار آرزو دارم. همچنین برای جمهوری ازبکســتان در دوران ریاســت دوره‌ای خود بر سازمان همکاری شانگهای آرزوی موفقیت دارم.»